مقایسه رشد اجتماعی کودکان ۳ تا ۶ سال برخوردار و محروم از خدمات روستامهدها (بررسی موردی شهرستان ورامین)

ساره ابری*، علی حاج یوسفی**، حسین حاج بابایی***، مهدی رهگذر****

طرح مسئله: *امروزه روشن شده است که برای تکامل اجتماعی زمان بخصوص و ویژه‌ای وجود دارد و در این زمان باید اساس رفتارهای اجتماعی در کودک شکل بگیرد و پس از آن است که او می‌تواند تعامل اجتماعی مناسبی برقرار نماید. بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که شرایط محیطی، شرایط اجتماعی، ارتباطات عاطفی و هیجانی و وضعیت تغذیه در رشد جسمی، اجتماعی و روانی کودک بسیار مؤثرند. شکنف (Shonkoff) و فیلیپس (Phillips) (2000). حال آنکه کودکان روستایی به دلیل شرایط خاص روستاها از این محیط بی‌بهره‌اند.*

یافته‌ها: *بر اساس یافته‌های پژوهش کودکان برخوردار از خدمات روستامهد نسبت به کودکان نابرخوردار از این خدمات از رشد اجتماعی بالاتری برخوردارند.*

نتایج: *به نظر می‌رسد رشد اجتماعی بیش‌تر کودکان برخوردار از خدمات روستامهد، تحت تأثیر محیط غنی‌تر رشد آنان در مقایسه با کودکان نابرخوردار می‌باشد. کودکان در روستامهد این فرصت را پیدا می‌کنند که به کنش متقابل با گروه هم‌سالان بپردازند و ضمن بازی با هم‌سالان خود از تجربیات آنان استفاده کنند، کشفیات خود را با آن‌ها در میان بگذارند و در آموخته‌های یکدیگر سهیم شوند.*

تجربهٔ محیط غنی‌تر از خانه از لحاظ مواد و محتوای آموزشی و ارتباطات اجتماعی، کودکان را با فرصت‌های بیش‌تری برای یادگیری و رشد مواجه می‌سازد. بازی، تعاملات اجتماعی، کاوشگری و یادگیری‌های غیر رسمی و... همگی در رشد اجتماعی بهتر کودکان مؤثرند.

کلید واژه‌ها: رشد اجتماعی، روستامهد

تاریخ دریافت: ۸۸/۰۶/۱۳ ***تاریخ پذیرش:*** ۹۰/۰۳/۱۲

* کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی <sarehabri@yahoo.com>

** دکتر اقتصاد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

*** کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

**** دکتر آمار، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

مقدمه

توجه به کودکان و مراقبت از رشد و سلامت آنان نه تنها زندگی سالم در دوران کودکی را تضمین می‌کند، بلکه شرایط برخورداری از زندگی سالم در دوران بزرگسالی را نیز فراهم می‌کند. فروید (Freud) بنیان‌گذار روان‌شناسی روانکاوی بر این باور عقیده دارد که بیش‌تر ارزش‌های اخلاقی و فرآیندهای بنیادی تشکیل وجدان در کودکان تا سنین ۵ الی ۶ سالگی کامل شده و یک کودک ۶ سالهٔ دارای وجدان، بزرگ‌سالی با وجدان خواهد شد و بالعکس. هیلگارد(۱۳۸۴).

اریکسون (Erikson) نظریه پرداز رشد اجتماعی، سنین ۳ تا ۵ سالگی یعنی سال‌های پیش دبستانی را دورهٔ ابتکار در برابر احساس گناه معرفی می‌کند به این معنی که در این سال‌ها، دنیای اجتماعی کودکان گسترش می‌یابد و کودکان یاد می‌گیرند که برای کنار آمدن با چالش‌ها هدفمند رفتار کنند.

فردیک فروبل (Friedrich Froebel) (۱۸۵۲-۱۷۸۲) که بنیان‌گذار کودکستان بوده است، معتقد است مرحلهٔ پیش از دبستان گامی اساسی در پلکان تجربهٔ آموزشی و تربیتی است.

ماریا مونته سوری (Maria Montessori) (۱۹۵۲-۱۸۷۰) از نظامی آموزشی حمایت می‌کرد که بتواند برای کودک محیطی را فراهم کند تا با سرعت خود رشد کند و رشد کودک در همهٔ جهات را از موارد اهمیت آموزش‌های دوران خردسالی عنوان کرده است. همان گونه که سیگلر (Siegler)، دلوچه (Deluche) وایسنبرگ (Isenberg)(۲۰۰۶) معتقدند رشد اجتماعی آن بخش از رشد همه جانبهٔ کودک است که به وسیلهٔ افراد دیگر، محیط و نهادهای اطراف کودک تأثیر می‌پذیرد، وجود شرایط مناسب محیطی، خانوادگی و اجتماعی در طی سال‌های اولیه و کیفیت مراکز آموزشی کودکان خردسال تأثیر به سزایی در جلوگیری از مشکلات جسمی و روانی دارد به طوری که محققان به این امر مهم دست یافته‌اند که سال‌های اولیه در شکل‌گیری هوش، شخصیت و رفتار اجتماعی سال‌های حساسی هستند و آثار بی‌توجهی اولیه می‌تواند اختلالاتی مانند اضطراب را جای بگذارد. السون (Olson) و روزنبلوم(Rosenblum) (۱۹۹۸).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

علاوه بر این، کودکان بسیاری از مهارت‌های اجتماعی[1] را در دوران کودکی یاد می‌گیرند. آن‌ها اعتماد به اشخاص بالغ (به جز والدین خود) را می‌آموزند و از آن لذت می‌برند.آنان در ارتباط با دیگران راه‌های همکاری، مخالفت، سهیم شدن، مراوده کردن و نیز اثبات خود را فرا می‌گیرند و یاد می‌گیرند چگونه عضو گروهی باشند و در فعالیت‌های گروهی شرکت کنند، خود را با انتظارات گروه وفق دهند و به حقوق و عواطف سایرین احترام بگذارند و در واقع رفتارها و واکنش‌های کودکان در حین بازی، وابستگی به والدین و مراقبین و ارتباط با اعضای خانواده و دوستان نشان دهندهٔ رشد و تکامل اجتماعی آنان است. ادوم(Odom) و اگاوا(Ogawa) (۱۹۹۲).این مسئله باعث گردیده است که به تعلیم و تربیت کودک در این سنین با دیدی عمیق و علمی نگریسته شود و کودک به عنوان رکن اساسی تعلیم و تربیت بیش از پیش مورد توجه متخصصان قرار گیرد و به همین علت سال‌هایی را که کودکان در مهد کودک می‌گذرانند از حساس‌ترین دوران زندگی آن‌ها محسوب می‌شود و مخصوصاً از لحاظ اجتماعی ساختن[2] آن‌ها بسیار حائز اهمیت است. لعب (Loeb)، فولر(Fuller)، کاگان (kagan) وکارول (Carrol) (2004)

چارچوب نظری:

- **نظریه پردازان رشد:** نظریات رشد را می‌توان به سه دستهٔ کلاسیک، مدرن و پست مدرن طبقه‌بندی کرد که در ادامه به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- دیدگاه‌های لاک در مورد رشد:

نقطهٔ آغاز تئوری لاک، رد اصل عقاید ذاتی توسط وی بود. لاک معتقد بود دورهٔ شیرخوارگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ذهن در این زمان بیش‌ترین انعطاف پذیری را دارد. بنابراین می‌توان آن را به هر طریقی که بخواهیم شکل دهیم زمانی که چنین کردیم

1- social skills 2- socialization

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

طبیعت اساسی آن برای باقی زندگی پایه گذاری شده است. بسیاری از رفتارهای ما از طریق تکرار[1] ایجاد می‌شود. زمانی که ما کاری را، همچون مسواک زدن به دندان‌ها، به طور مکرر انجام دهیم، این عمل یک عادت طبیعی می‌شود و اگر آن را انجام ندهیم احساس ناراحتی خواهیم کرد لاک)۱۹۶۳). او معتقد بود ما از طریق تقلید[2] نیز می‌آموزیم، بنابراین الگوها شخصیت ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. سرانجام و مهم‌تر از همه، ما از طریق پاداش[3] و تنبیه[4] می‌آموزیم. به باور لاک این اصول اغلب همراه یکدیگر موجب رشد شخصیت می‌شوند.

۲- تئوری رشد روسو:

روسو عقیده داشت که چهار مرحلهٔ اصلی وجود دارد:

- **شیر خوارگی (از تولد تا حدود ۲ سالگی)**: شیرخوارگان دنیا را مستقیماً از طریق حواس خود تجربه می‌کنند. آنان چیزی دربارهٔ ایده‌ها و منطق نمی‌دانند و به سادگی لذت و درد را می‌آزمایند. آنان فعال و کنجکاو هستند و چیزهای زیادی را می‌آموزند. افزون بر این، کودکان آغاز به کسب زبان می‌کنند.
- **کودکی (از حدود ۲ تا ۱۲ سالگی)**: آغاز این مرحله زمانی است که کودکان به استقلال نوینی دست می‌یابند. آنان می‌توانند راه بروند، حرف بزنند، غذا بخورند و بدوند. این توانایی‌ها نیز در آنان خود به خود ظاهر می‌شود. در حین این دوره کودکان صاحب نوعی منطق می‌شوند اما این نوع منطق با رویدادهای دور و یا تجربه‌ها سروکار ندارند، بلکه این، منطقی شهودی است که به طور مستقیم در ارتباط با حرکات بدنی و حواس می‌باشد.
- **اواخر کودکی (ازحدود ۱۲ تا ۱۵ سالگی)**: این مرحله، یک دورهٔ انتقالی بین کودکی و بلوغ است. در جریان این مرحله، کودکان مقدار قابل توجهی نیروی جسمی پیدا می‌کنند. آنان می‌توانند کارهای بزرگسالان را انجام دهند. به علاوه آنان پیشرفت عمده‌ای

1- repetition 2- imitation 3- reward 4- punishment

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در قلمرو شناختی و شعوری می‌کنند با این همه هنوز آمادهٔ اندیشیدن دربارهٔ مسائل کاملاً نظری و کلامی نیستند.

- **بلوغ:** کودکان به طور مشخص تنها در چهارمین مرحله، موجودات اجتماعی می‌شوند. روسو می‌گفت که بلوغ در ۱۵ سالگی آغاز می‌شود. بدن دگرگون می‌شود و هیجانات از درون به بیرون می‌ریزد.

۳- نظریهٔ رشد روانی ـ اجتماعی اریکسون:

مراحل رشد روانی ـ اجتماعی اریکسون به قرار زیر است:

- **اعتماد در برابر عدم اعتماد:** اگر بچه‌ها در این مرحله طعم مراقبت‌های گرم و صمیمانه را بچشند به محیط اعتماد خواهند کرد و دیگران را دوستان خود خواهند دید.اما اگر والدین آن‌ها آدم‌های مضطرب و عصبانی باشند و نتوانند نیازهای فرزندان خود را برآورده کنند، فرزندشان احساس بی‌اعتمادی خواهد کرد.
- **خودمختاری در برابر شرم یا شک:** کودکان دو یا سه ساله، دیگر به طور کامل به بزرگ‌ترها متکی نیستند. آن‌ها مهارت‌های جسمی جدیدشان را تمرین می‌کنند و صاحب حس مثبت خود مختاری می‌شوند. کودکان در این مرحله می‌فهمند برای خودشان کسی هستند. اگر در این سنین به آن‌ها اجازه ندهند کارهایی که می‌توانند را انجام دهند یا از آن‌ها انجام کارهایی را بخواهند که توانایی انجام دادن آن کارها را ندارند، احساس شرم و تردید در مورد توانایی‌هایشان وجود آن‌ها را فرا می‌گیرد و اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند.
- **ابتکار در برابر احساس گناه:** کودکان در حدود۴ سالگی برای اعمال خود طرح و نقشه‌ای می‌ریزند و بر آن اساس عمل می‌کنند. نتیجهٔ مثبت این مرحله، حس ابتکار است یعنی احساس منطقی بودن تمایلات و اعمال.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

- **سخت‌کوشی در برابر احساس حقارت:** بچه‌ها در اواسط دوران کودکی مهارت‌های تحصیلی همچون خواندن، نوشتن و حساب و مهارت‌های اجتماعی را یاد می‌گیرند. اگر کودکان در فراگیری این مهارت‌های جدید موفق شوند و دیگران برای پیشرفت‌های آن‌ها ارزش قائل شوند، سخت کوش خواهند شد و نظر مثبتی در مورد پیشرفت‌های خود اتخاذ خواهند کرد. اما کودکانی که همیشه با دیگران مقایسه شده‌اند و نفر دومی در زندگی آن‌ها وجود داشته است، احساس حقارت می‌کنند.
- **هویت در برابر آشفتگی نقش:** نوجوانان باید گزینه‌های منطقی در مورد آیندهٔ شغلی و شخصی خود را بررسی کنند و بفهمند چه کسی هستند و به کجا تعلق دارند. نوجوانی که هویت منسجمی دارد برنامهٔ رضایت بخشی تهیه می‌کند و احساس امنیت می‌کند. اما نوجوانی که هویت منسجمی حس نمی‌کند دچار آشفتگی نقش می‌شود و احساس بی‌هدفی و سرگردانی می‌کند.

مراحل بعدی اریکسون: سه مرحلهٔ آخر نظریهٔ اریکسون مربوط به دوران بزرگسالی است.

۴- *نظریهٔ اجتماعی ـ فرهنگی ویگوتسکی (Lev Vygotsky):*

ویگوتسکی (۱۹۶۲و ۱۹۷۸) معتقد است واحد اصلی برای مطالعه، بافت رفتارهای کودک است نه خود رفتارهای او. بدون در نظر گرفتن بافت فرهنگی، تاریخی و اجتماعی نمی‌توان رفتارها و رشد کودکان را فهمید. نظریهٔ ویگوتسکی را از آن جهت نظریهٔ اجتماعی ـ فرهنگی می‌دانند که می‌گوید کودکان آن دسته از شیوه‌های تفکر و رفتار را می‌آموزند که به آن‌ها اجازه می‌دهد در فرهنگ مورد نظر زندگی کنند.

ویگوتسکی معتقد بود این فرهنگ است که تعیین می‌کند بزرگسالان آن فرهنگ چه مهارت‌هایی را به کودکان خود بیاموزند و ابزارهای مورد استفادهٔ فرهنگ‌ها با هم فرق دارند و ابزارهای موجود در اختیار هر فرد به فرهنگ مقطع تاریخی بستگی دارد. وی به نحوهٔ انتقال شیوه‌های تفکر و رفتار از نسلی به نسل دیگر در فرهنگ‌ها علاقهٔ خاصی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

داشت و تأکید می‌کرد که این مهم از طریق تعامل اجتماعی کودک با والدین، اطرافیان و همسالانش روی می‌دهد. اساس فرآیندهای ذهنی فرد را فرهنگی تشکیل می‌دهد که در این تعاملات اجتماعی انعکاس یافته است. ورتسک(Wertsch) وتالویست (Tulviste) (۱۹۹۲). در رویکرد ویگوتسکی آموزش نقش مهمی دارد. اگر چه کودکان برخی مفاهیم را خودشان یاد می‌گیرند اما اکثر مفاهیم را بدون آموزش نمی‌توانند بیاموزند. این مفاهیم را نیز در طی گفتگو با بزرگ‌ترها و کودکان بزرگ‌تری که آن‌ها را به کسب این مهارت‌ها تشویق می‌کنند می‌آموزند. ویگوتسکی معتقد بود آموزش باید علاوه بر آن چه کودک می‌تواند انجام بدهد بر ظرفیت بالقوهٔ اونیز مبتنی باشد. در واقع بعضی از کودکان فعالانه درخواست کمک می‌کنند. در نظام ویگوتسکی، تعامل اجتماعی تأمین کنندهٔ انرژی رشد است و آن چه نخست از طریق تعامل اجتماعی آموخته می‌شود، بالأخره درونی می‌شود. ویگوتسکی می‌گوید تنها با بررسی این فرآیندهای اجتماعی وشالوده‌های فرهنگی آن‌ها است که می‌توان کار ذهن را فهمید.

- عوامل اجتماعی شدن:

«در هر بحثی که با رشد شخصیت و رشد اجتماعی سروکار داشته باشد مفهوم اجتماعی شدن نیز مطرح می‌شود. اجتماعی شدن فرایندی است که از طریق آن کودکان رفتار، مهارت‌ها، انگیزه‌ها، ارزش‌ها، اعتقادات و معیارهایی را که مطلوب و مناسب و مشخصهٔ فرهنگشان است می‌آموزند. منابع اجتماعی شدن، افراد و نهادهایی هستند که در این فرآیند شرکت می‌کنند مانند والدین، خواهران و برادران، تلویزیون وسایر رسانه‌های گروهی». یاسایی(۱۳۸۰: ۵۳۲)

۱- اجتماعی شدن در خانواده: به طور معمول خانواده مهم‌ترین بخش از محیط کودک است. به همین دلیل خانواده مهم‌ترین و قوی‌ترین عامل اجتماعی کردن کودکان تلقی می‌شود که در شکل دادن به شخصیت، خصوصیات و انگیزه‌ها نقش کلیدی دارد، رفتار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

اجتماعی را هدایت می‌کند و ارزش‌ها، اعتقادات و هنجارهای فرهنگ را منتقل می‌کند. هر چند که فرآیند اجتماعی شدن از دوران شیرخوارگی آغاز می‌شود، در سال دوم زندگی شدیدتر می‌شود، یعنی زمانی که توانایی‌های شناختی کودکان پیشرفت می‌کند و پر تحرک تر، خودمختارتر و خودآگاه‌تر می‌شوند. همین که کودک رشد می‌کند و توانایی‌های شناختی او گسترش می‌یابد، فرآیند اجتماعی شدن پیچیده‌تر می‌شود. اجتماعی شدن غالباً از طریق مشاهده و تقلید و نیز پاداش و تنبیه واقع می‌شود. والدین از طریق نشان دادن، توضیح دادن، انتقاد به کودکان کمک می‌کنند تا پاسخ‌های نامطلوب را اصلاح کنند. ولی بسیاری از خصوصیات شخصی و اجتماعی مهم، انگیزه‌ها و نگرش‌ها مانند مهربانی به دیگران و ارزش قائل شدن برای پیشرفت ذهنی و اعتماد به نفس صرفاً تقلید، پاداش یا تنبیه نیست، بلکه به شدت تحت تأثیر جنبه‌های کلی محیط خانواده، روش‌های فرزند پروری و همانندسازی با اعضای خانواده قرار دارد.

۲- اجتماعی شدن در بیرون از خانواده:

الف) ***مهدکودک***: بسیاری از کودکان قبل از پنج سالگی موقعیت‌های گروهی را تجربه می‌کنند. در آن جا برای مدت چند ساعت در هفته انگیزه‌های اجتماعی و ذهنی برایشان فراهم می‌شود. از طرف دیگر معلوم شده است که کیفیت مهد کودک در رشد کوتاه مدت و بلند مدت کودکان تأثیرات مهمی می‌گذارد.

ب) ***روابط همسالان***: یکی دیگر از عوامل اجتماعی شدن گروه همسالان است. گروه‌های همسالان، گروه‌های دوستی کودکان هم سن هستند. همسالان به شکل منحصر به فرد و عمده‌ای در شکل دادن شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های یکدیگر سهم دارند. کودکان با سرمشق قرار دادن خود، تقویت یا پاداش رفتار و تفسیر رفتار در یکدیگر نفوذ می‌کنند.

ج) ***مدارس***: آموزش در مدرسه یک فرآیند رسمی است و یک برنامهٔ معین از دروسی که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

باید فرا گرفته شوند وجود دارد. با وجود این مدارس از جنبه‌های ظریف‌تری عوامل اجتماعی شدن نیز هستند. در کنار برنامهٔ آموزش رسمی چیزی که بعضی جامعه شناسان آن را برنامه آموزشی پنهان نامیده‌اند وجود دارد که یادگیری کودکان را مشروط می‌کند.

د) تلویزیون: تلویزیون از همان آغاز زندگی کودکان نقش مهمی در اجتماعی کردن آنان دارد. در واقع دریچه‌ای به جهان خارج است که مدت‌ها قبل از آن که کودکان با همسالان سرو کار داشته باشند از طریق آن اطلاعات و ارزش‌هایی کسب می‌کنند. لیبرت(Libert) و اسپرافکین(Sprafkin) (۱۹۸۸)

آن چه اهمیت دارد این است که یکی از کارکردهای عمدهٔ تلویزیون برای کودکان آموزش اجتماعی است که این آموزش به خودی خود هنگامی که کودک در حال تماشای برنامه‌های سرگرم کننده است، روی می‌دهد.

- تفاوت‌های بین روستا و شهر:

۱- محیط عمومی و نحوهٔ برخورد با طبیعت: روستاییان به علت موقعیت جغرافیایی خود، در مناطق روستایی، با طبیعت پیوند نزدیکی دارند. آن‌ها دائماً مجبور به تمکین در برابر عناصر طبیعی مثل باران، گرما، یخبندان، برف و خشک‌سالی هستند و تسلطی بر این عناصر ندارند. عوامل فوق برای کشاورزی عناصری حیاتی به حساب می‌آید. بنابراین، ممکن است ساکنان روستاها عقاید و باورهایی در مورد طبیعت پیدا کنند که با عقاید ساکنان شهرها که از طبیعت بسیار دورند بسیار متفاوت باشد.

۲- شغل: در اغلب مناطق روستایی جهان شغل اصلی روستا نشینان کشاورزی است. در مناطق روستایی، مشاغل غیر کشاورزی هم یافت می‌شوند، اما آن‌ها از لحاظ اقتصادی در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارند. در برخی نقاط، کشاورزی جنبهٔ کار و کسب و نوعی صنعت را پیدا کرده است، اما در نقاط دیگر بیش‌تر نوعی شیوهٔ معیشت یا پیشینهٔ خانوادگی محسوب می‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۳- **اندازهٔ جامعه:** همیشه، اندازهٔ جامعهٔ روستایی کوچک‌تر از جامعهٔ شهری است. در مشاغل کشاورزی بنا به ماهیت کار، «نسبت زمین به نفر» در مقایسه با مشاغل صنعتی بسیار بزرگ‌تر است و در نتیجه، مقدار جمعیت در مناطق روستایی، کم‌تر از مناطق شهری است. بنابراین جامعهٔ روستایی، جامعهٔ کوچکی است.

۴- **تراکم جمعیت:** همبستگی میان تراکم جمعیت و «وضعیت روستایی[1]» منفی است، یعنی با افزایش تراکم جمعیت، جامعه رفته رفته در طبقه‌بندی شهری قرار می‌گیرد. الگوی سکونت تا حدودی از حالت سکونت در خانه‌های مسکونی مجزا و تک خانواده‌ای خارج می‌شود و به حالت ساختمان‌های محل سکونت چند خانواده و حتی آپارتمان نشینی، سوق می‌یابد.

۵- **تجانس و عم تجانس:** تجانس یا شباهت ویژگی‌های اجتماعی و روان شناختی جمعیت نظیر زبان، اعتقادات، اخلاق و رسوم و الگوهای رفتاری، بیش‌تر درمیان روستانشینان دیده می‌شود تا در میان مردم شهری. اعضای جامعهٔ روستایی که عضو جامعهٔ کوچکی هستند به لحاظ تماس‌های مکرر رو در رو با یکدیگر، علایق مشترک دارند و مشاغل اصلی آن‌ها نیز مشابه است. از سوی دیگر، شهر جمعیتی نامتجانس دارد و افراد گرد آمده در آن از طیف وسیعی از خرده فرهنگ‌ها متشکل شده‌اند، مردمی با علایق فراوان، فرهنگ‌ها، مشاغل، الگوهای رفتاری و حتی زبان‌های متعدد که بر روی هم جمعیت نا متجانس شهری را می‌سازند.

۶- **گوناگونی و تفکیک اجتماعی[2]:** عدم تجانس جمعیت شهری الزاماً حاکی از درجهٔ بالایی از تفکیک اجتماعی است. بنابراین خدمات شهری، نظیر آب و برق و تلفن و گاز و غیره با تسهیلات آموزشی، مذهبی، تفریحی، اقتصادی و مسکونی به واسطهٔ تقسیم کار و وابستگی متقابل، سازمان یافته است. بر عکس، در مناطق روستایی، بخش‌های آن جامعه که ماهیتاً حالتی بسیار متجانس دارند، به طور نسبی مستقل از یکدیگر و درجهٔ تفکیک اجتماعی آن‌ها در سطح نازلی است.

1- rurality 2- social differentiation

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۷- **قشربندی اجتماعی**[1]: معمولاً طبقات اجتماعی در جامعه را با اشاره به هرم اجتماعی نشان می‌دهند که در آن طبقات بالا در رأس و طبقات پایین در قاعدهٔ هرم قرار می‌گیرند. طبقات میانه در بین بالاترین و پایین‌ترین طبقات قرار دارند.

۸- **تحرک اجتماعی**[2]: تحرک اجتماعی، عبارت است از انتقال از یک گروه اجتماعی به گروه دیگر، انتقال از یک شغل به شغل دیگر (تحرک شغلی)، و حرکت از مناطق روستایی به مناطق شهری یا بالعکس، یا حرکت در درون هر یک از این دو منطقه (تحرک جغرافیایی). به علت نا متجانس بودن جمعیت شهری، تمرکز نهادها و مؤسسه‌ها، وجود سازمان‌های وابسته به هم و بالا بودن درجه تفکیک اجتماعی، امکانات تحرک در درون مناطق شهری بیش‌تر است، بنابراین درجهٔ تحرک اجتماعی و شغلی در شهر بیش‌تر از روستاست. تحرک جغرافیایی نیز در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی است.

۹- **کنش متقابل اجتماعی**: نوع و الگوی کنش متقابل اجتماعی در مناطق روستایی به طور قابل ملاحظه‌ای با کنش متقابل اجتماعی در نواحی شهری هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی متفاوت است.

۱۰- **کنترل اجتماعی**: در مناطق روستایی به جهت تماس‌های خودمانی و غیر تشریفاتی، بُعد و تجانس و جوامع روستایی و سایر عوامل، فشار اجتماعی شدیدتر است و هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی، بیش‌تر تحت تأثیر فشارهای اجتماعی غیر رسمی قرار دارد تا دیگر انواع کنترل اجتماعی. در مناطق شهری، اعمال کنترل بیش‌تر به دست عوامل رسمی و غیر شخصی قانون، صورت می‌گیرد.

۱۱- **الگوی رهبری**: انتخاب رهبری در مناطق روستایی بیش‌تر بر مبنای صفات و ویژگی‌های شخصی فرد استوار است، در صورتی که در شهر الزاماً چنین نیست. دلیل

1- social stratification 2- social mobility

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

عمدهٔ این امر، آن است کـه در منـاطق روسـتایی امکـان برخـورد رو در رو بـا هـم و شناخت دیگران از نزدیک نسبت به مناطق شهری فراهم‌تر است.

۱۲- **سطح زندگی**: اگر پایهٔ جمعیتی به حد کفایـت برسـد، امکـان فـراهم آوردن وسـایل راحتی در خانه، خـدمات عمـومی، تـسهیلات آموزشـی، تفریحـی و مـذهبی و سـایر تسهیلات زندگی بیش‌تر می‌شود. از آن جا که در مناطق شهری میزان و تراکم جمعیت بیش‌تر است، امکان فراهم آورن تسهیلات فوق در آن‌جا بیش از مناطق روستایی است.

۱۳- **انسجام اجتماعی**: انسجام اجتماعی یا یکپارچگی و وحدت در میان جامعهٔ روسـتایی و شهری به سبب حضور عوامل مختلف در هر یک از این جوامع به وجود می‌آیـد. در مناطق روستایی وحدت و یکپارچگی از صفات مشترک، تشابه تجربه‌ها و هـدف‌هـای مشترک میان روستاییان، یعنی مناسبات غیر رسمی و غیر قرار دادی میان مـردم نـشأت می‌گیرد. اما وحدت و همبستگی در مناطق شهری، بر پایهٔ تفاوت‌هـا و ناهماننـدی‌هـا، تقسیم کار، بستگی متقابل، تخصصی شـدن کارهـا و بـه طـور کلـی وجـود مناسـبات تشریفاتی و کاملاً رسمی و قراردادی استوار است. ازکیا(۱۳۷۸: ۱۰۶)

- تاریخچهٔ مهدهای کودک روستایی در ایران:

در فصل رفاه اجتماعی برنامه چهارم عمرانی کشورسال ۱۳۴۷، برای رفاه روستاییان به دلیل این که کثرت جمعیت درسطح روستاها توجه بـیش‌تـری را بـه تـأمین رفـاه ایـن طبقـه از جمعیت کشور ایجاب می‌کرد برنامه‌های مشخص و سیاست‌های اجرایی تعیین شد تا بدین منظور دستگاه‌های اجرایی در سطح روستاها بـه صـورت متـشکل‌تـر و هماهنـگ‌تـری بـا همکاری روستانشینان خدمات مورد نظر را انجام دهند.یکی از اقدامات اجرایی انجام شـده در این بخش ایجاد ۳۰۰ مرکز اجتماعات و خدمات در دهات واجـد شـرایط، کـه در ایـن مراکز خدماتی از قبیل تشکیل مهد کودک، فعالیت‌های فرهنگی و هنری، جلسات انجمـن، تشکیل کلاس‌هایی جهت تعلیم حرفه‌ای و اجتماعی برای جوانان، ترویج خانـه‌داری بـرای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

زنان روستایی، تشکیل کلاس‌های مبارزه با بی‌سوادی و برگزاری جشن‌ها بود.(اصول و هدف‌های برنامهٔ عمرانی چهارم کشور مصوب هشتم مرداد سال ۱۳۴۷: ۹۹). به دنبال آن در همین سال (۱۳۴۷) تشکیلاتی به نام «سازمان خانه‌های فرهنگ روستایی» وابسته به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی به منظور ارائه خدمات فرهنگی، رفاهی و آموزش‌های فنی حرفه‌ای به روستاییان کشور تأسیس گردید. این سازمان در سطح کشور در روستاهایی که واجد شرایط بودند اقدام به احداث مراکزی نمودند که «خانهٔ فرهنگ روستایی» نامیده شدند. بعدها خانهٔ فرهنگ روستایی زیر پوشش وزارت کشاورزی و عمران روستایی قرار گرفت ازکیا(۱۳۷۸: ۲۵۲).

بعد از انقلاب و تأسیس سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۵۹ خانه‌های فرهنگ روستایی از وزارت کشاورزی و عمران روستایی تفکیک گردید و با تصویب هیأت وزیران در سال ۱۳۶۰ عملا به سازمان بهزیستی پیوست. در سازمان بهزیستی دفتر کل خدمات حمایتی روستایی مسئول برنامه‌ریزی و ادارهٔ امور خانه فرهنگ روستایی شد و از مجموع خانه‌های فرهنگ روستایی که قبل از انقلاب مشغول به کار بودند، تعداد ۸۰۰ واحد آن تحویل دفتر مذکور گردید. سازمان بهزیستی به منظور تحقق بخشیدن به اصول ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی در اهداف و فعالیت‌های خانه‌های فرهنگ روستایی تغییراتی به عمل آورد و نام آن‌ها را به مجتمع‌های خدمات حمایتی روستایی تغییر داد که یکی از اهداف مجتمع‌های فوق ایجاد مهدهای کودک روستایی بود. مهدکودک پرحجم‌ترین و مهم‌ترین خدمتی بود که مجتمع‌های روستایی ارائه می‌دادند. پس ازآن در سال ۱۳۸۰ این دفتر با همکاری یونیسف در راستای اجرای برنامه‌های IECD (رشد و تکامل یکپارچه کودکان خردسال) در ۷ استان اردبیل، کردستان، خراسان، کهگلویه و بویر احمد، آذربایجان غربی، هرمزگان، سیستان و بلوچستان آغاز به راه اندازی روستامهد نمود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پیشینهٔ مطالعه:

نانسی. آرکوریر(Nancy R.Currier) و پتسی اشمیت (Patsy H.Schmith) (۱۹۸۴) در پژوهشی تحت عنوان«مقایسهٔ رشد اجتماعی کودکان مهدهای کودک و کودکانی که در خانهٔ مراقبت می‌شوند» رشد اجتماعی ۲۵ کودک از هر دو گروه را با استفاده از مقیاس واینلند مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تفاوتی میان رشد اجتماعی این دو گروه وجود ندارد.

مارگارت.آربارچینال(M.R-Barchinal)(۲۰۰۱) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی ارتباط بین کیفیت نگهداری و آموزش کودکان خردسال با رشد شناختی و اجتماعی آن‌ها در مقاطع تحصیلی بالاتر» رشد اجتماعی و شناختی ۷۳۳ کودک را در یک تحقیق طولی از طریق به کارگیری پرسشنامه محقق ساخته مورد بررسی قرار داد و نتایج نشان داد تجارب کودک در سال‌های اولیهٔ زندگی در محیط‌های آموزشی با وجود این که از محدودیت‌های زیادی برخوردارند تأثیر بسیار زیادی بر رشد اجتماعی و شناختی آنان دارد و کودکان استفاده کننده از مهدهای کودک در ابعاد تحول شناختی و اجتماعی بهتر و متحول‌تر از کودکان همین گروه سنی که از مهد کودک استفاده نمی‌کنند می‌باشند.

دکتر الهیاری (۱۳۸۰) پژوهش دیگری تحت عنوان «بررسی ویژگی‌های روانی-اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان ۳ تا ۶ ساله تهرانی و تأثیر آموزش پیش دبستانی بر تحول آن‌ها» انجام دادند که در آن کودکان بیش از ۲۰۰ مهد کودک در سطح شهر تهران و ۱۰۰۸ نفر از کودکان این مقطع سنی جمعیت مورد مطالعه را تشکیل می‌دادند.که نتایج داده‌ها نشان‌گر آن بود که برنامه‌های آموزشی پرورشی حاکم بر مراکز پیش دبستانی (مهدهای کودک) با وجود این که از محدودیت‌های زیادی برخوردارند در تحول اجتماعی، شناختی، عاطفی، جسمی و حرکتی کودکان مؤثر می‌باشند و به طور کلی کودکان استفاده کننده از مهدهای کودک در ابعاد تحول شناختی، اجتماعی، عاطفی و جسمی حرکتی، بهتر و متحول‌تر از کودکان همین گروه سنی که از مهدهای کودک استفاده نمی‌کنند، می‌باشند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

رقیه یزدان دوست و شهرام واحدی (۱۳۸۴) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی کیفیت روستامهدها بر اساس محتوای آموزشی آنان» تعداد ۱۱۴ روستامهد از استان‌های آذربایجان غربی، هرمزگان و سیستان و بلوچستان را از چهار بعد وضعیت و شرایط فیزیکی، بهداشت و ایمنی، نیروی انسانی و آموزش مورد بررسی قرار دادند. ملیحه عرشی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان «ارزیابی کیفیت خدمات روستامهدها بر اساس شاخص‌های ECD» تعداد ۱۲۳ روستا مهد در استان‌های هرمزگان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی را مورد بررسی قرار داد و در این پژوهش علاوه بر ارزیابی کیفیت روستا مهدها از طریق محقق، نظرات والدین و مربیان نیز با تهیهٔ پرسش‌نامه‌های مجزا سنجیده شد.

روش مطالعه

نوع مطالعه:

از آن جا که در پژوهش حاضر، دو گروه از افراد (کودکان ۶-۳ سال روستایی برخوردار ومحروم از خدمات روستامهدها)، که در یک گروه، متغیر مستقل وجود دارد و در گروه دیگر این متغیر وجود ندارد، مورد مقایسه قرار می‌گیرند و با توجه به این که در این پژوهش سعی می‌شود، سایر متغیرهای اثر گذار، تا جایی که امکان دارد، کم و بیش یکسان باشند روش تحقیق علی ـ مقایسه‌ای است.

ابزار تحقیق و روش اجرا:

برای اندازه‌گیری میزان رشد اجتماعی از مقیاس بلوغ اجتماعی واینلند استفاده شده است. این مقیاس در سال ۱۹۵۳ در «واینلند» امریکا و توسط «ادگار دال[1]» ساخته شد و سپس در سال ۱۹۶۵ مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس شامل ۱۱۷ سئوال است که از تولد تا ۲۵ سالگی و بیش‌تر را در بر می‌گیرد. سئوالات به صورت نردبانی و برای هر مقطع سنی

1- Edgar Doll

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به طور اختصاصی تهیه شده است این مقیاس شامل هشت جنبه می‌شود که عبارتند از: خودیاری عمومی[۱]، خودیاری در لباس پوشیدن[۲]، خودیاری در غذا خوردن[۳]، ارتباط[۴]، خود جهت دهی[۵]، اجتماعی بودن[۶]، جابه جایی و تحرک[۷] و خود سرگرم سازی[۸].در این پژوهش به منظور اجرای مقیاس واینلند، پس از انتخاب اعضای دو گروه که مجموعاً شامل۵۸۸کوک (۲۹۱دختر و ۲۹۷ پسر) بود، طبق دستورالعمل استاندارد آزمون واینلند، از طریق مصاحبه با والدین آزمودنی‌ها (ترجیحاً مادر) سئوالات آزمون، توسط آزمون‌گر پرسیده و پاسخ‌ها یادداشت می‌شد. در مواردی که متوجه مفهوم سئوال نمی‌شدند، توضیحاتی ارائه می‌شد ولی سعی بر این بود که هیچ پاسخی به آنان القاء نشود. سپس پاسخ‌ها با فرم آزمون مقایسه شده و بر اساس دستورالعمل مقیاس، نمره گذاری انجام شد. نحوهٔ اجرا چنان چه در راهنمای این مقیاس آمده است به این شکل است که ابتدا از یکی دو سال پایین‌تر از سن تقویمی شروع می‌نماییم. هرگاه کودک بتواند به تمام سئوالات یک مقطع سنی جواب بدهد، آن مقطع را سن پایه تلقی کرده و دیگر سئوالات مقاطع پایین‌تر را نمی‌پرسیم. بعد سئوالات را تا مقطع سنی که دیگر آزمودنی نتواند حتی نیم نمره بگیرد ادامه می‌دهیم.

پایایی و روایی ابزار تحقیق:

این مقیاس توسط عباس زامیاد و به راهنمایی دکتر محمد نقی براهنی در جمعیت شهری وروستایی هنجاریابی شده است وضریب پایایی آن ۰/۹۲ گزارش شده است.دراین مقاله، این مقیاس در جامعهٔ هدف(کودکان روستایی ۶-۳ سال شهرستان ورامین) اجرا شد و پس از بازآزمایی با فاصله یک ماه آلفای کرونباخ محاسبه شده در هر یک از ۸ زیر مقیاس به وسیله نرم افزار spss به شرح ذیل به دست آمد:

1- self help general
2- self help dressing
3- self help eating
4- communication
5- self direction
6- socialization
7- locomotion
8- occupation

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

در زیر مقیاس اجتماعی بودن: ۰/۹۳، در زیر مقیاس خود رهبری یا خود جهت دهی: ۰/۹۰، در زیر مقیاس ارتباط: ۰/۹۲، در زیر مقیاس مسائل شغلی و مشغولیات(خودسرگرم سازی): ۰/۹۶، در زیر مقیاس تحرک و جابجایی: ۰/۹۲، در زیر مقیاس خودیاری در غذا خوردن: ۰/۹۰، در زیر مقیاس خودیاری در لباس پوشیدن: ۰/۹۵، در زیر مقیاس خودیاری عمومی: ۰/۹۲

جامعهٔ آماری وروش نمونه‌گیری:

در این پژوهش جامعهٔ آماری کلیه کودکان ۶-۳ سال روستایی شهرستان ورامین هستند. و نمونهٔ آماری تعداد ۵۸۸ کودک هستند که در دو گروه ۲۹۴ نفری برخوردار (شامل ۱۳۷ دختر و ۱۵۷ پسر) ومحروم از خدمات روستامهدها(شامل ۱۵۴دختر و ۱۴۰ پسر) مورد مقایسه قرار می‌گیرند. طبق اطلاعات به دست آمده از دفتر امور کودکان و نوجوانان سازمان بهزیستی کشور تعداد ۸ روستا مهد در سطح شهرستان ورامین در روستاهای خویین، قوییِنک، احمد آباد، ولی آباد، عبدل آباد، با غخواص، محمدآباد و قشلاق عمرآباد موجود است و مجموعاً ۲۹۴ کودک تحت پوشش این روستا مهدها هستند که جهت اجرای این پژوهش از روش تمام شماری استفاده شده و از تمامی این کودکان آزمون به عمل آمد. جهت انجام آزمون از کودکان روستایی که محروم از خدمات هستند با شوراهای اسلامی روستایی هماهنگ شد تا از طریق مسجد روستا، خانواده‌های کودکان در روزهای خاصی، به مرکز بهداشت روستا مراجعه کنند و از این طریق به همان تعداد هم از کودکان بی‌بهره از خدمات، آزمون به عمل آمد.

تجزیه وتحلیل داده‌ها:

پس از جمع‌آوری اطلاعات، برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم افزار spss، استفاده شد، ابتدا به سازمان دادن، خلاصه کردن، جدول‌بندی، ترسیم نمودارها و در نهایت

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

به توصیف داده‌های جمع‌آوری شده پرداخته شد. روش‌های آماری به کار رفته برای تجزیه و تحلیل داده‌ها به اختصار به شرح زیر می‌باشد:

- بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها با استفاده از آزمون کولموگورف- اسمیرونف
- مقایسه میانگین متغیرها با استفاده از آزمون Uمان ویتنی
- مقایسهٔ همسان بودن متغیرهای زمینه‌ای در دو گروه با استفاده از آزمون خی

یافته‌ها:

جدول ۱- وضعیت همسانی کودکان برخوردار و محروم از خدمات روستامهد از لحاظ متغیرهای زمینه‌ای (n=588)

متغیر		برخوردار		محروم		جمع		توزیع همسانی
جنس	دختر	۱۳۷	٪۴۷/۱	۱۵۴	٪۵۲/۹	۲۹۱	٪۴۹/۵	P=۰/۱۶۱
	پسر	۱۵۷	٪۵۲/۹	۱۴۰	٪۴۷/۱	۲۹۷	٪۵۰/۵	df=۱
	جمع	۲۹۴	٪۱۰۰	۲۹۴	٪۱۰۰	۵۸۸	٪۱۰۰	X2=۱/۹۷
ملیت	ایرانی	۲۶۹	٪۹۱/۵	۲۷۱	٪۹۲/۲	۵۴۰	٪۹۱/۸	P=۰/۷۶۳
	غیرایرانی	۲۵	٪۸/۵	۲۳	٪۷/۸	۴۸	٪۸/۲	df=۱
	جمع	۲۹۴	٪۱۰۰	۲۹۴	٪۱۰۰	۵۸۸	٪۱۰۰	χ^2=۱/۹۱
تحصیلات پدر	بی سواد	۲۱	٪۷/۴	۲۵	٪۸/۹	۴۶	٪۸/۱	P=۰/۸۱۷
	ابتدایی	۸۷	٪۳۰/۵	۹۳	٪۳۲/۹	۱۸۰	٪۳۱/۷	df=۴
	سیکل	۹۷	٪۳۴	۸۹	٪۳۱/۴	۱۸۶	٪۳۲/۷	χ^2=۱/۵۵۲
	دیپلم	۶۶	٪۲۳/۲	۶۶	٪۲۳/۳	۱۳۲	٪۲۳/۲	
	فوق دیپلم و بالاتر	۱۴	٪۴/۹	۱۰	٪۳/۵	۲۴	٪۴/۲	
	جمع	۲۸۵	٪۱۰۰	۲۸۳	٪۱۰۰	۵۶۸	٪۱۰۰	
تحصیلات مادر	بی سواد	۳۰	٪۱۰/۳	۳۳	٪۱۱/۴	۶۳	٪۱۰/۸	p=۰/۱۷۶
	ابتدایی	۸۶	٪۲۹/۵	۷۸	٪۲۶/۸	۱۶۴	٪۲۸/۱	df=۴
	سیکل	۷۹	٪۲۷	۹۵	٪۳۲/۶	۱۷۴	٪۲۹/۸	χ^2=۶/۳۲۱
	دیپلم	۸۳	٪۲۸/۴	۸۰	٪۲۷/۵	۱۶۳	٪۲۸/۰	
	فوق دیپلم و بالاتر	۱۴	٪۴/۸	۵	٪۱/۷	۱۹	٪۳/۳	
	جمع	۲۹۲	٪۱۰۰	۲۹۱	۱۰۰	۵۸۳	٪۱۰۰	

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

متغیر		برخوردار		محروم		جمع		توزیع همسانی
اشتغال پدر	بسیار پایین	۱۶۲	٪۵۷/۷	۱۶۴	٪۵۹/۲	۳۲۶	٪۵۸/۴	P=۰/۷۳۴ df=۳ χ^2=۱/۲۸۲۰
	پایین	۸۲	٪۲۹/۲	۸۴	٪۳۰/۳	۱۶۶	٪۲۹/۷	
	متوسط	۳۰	٪۱۰/۷	۲۵	٪۹/۱	۵۵	٪۹/۹	
	بالا	۷	٪۲/۴	۴	٪۱/۴	۱۱	٪۲/۰	
	جمع	۲۸۱	٪۱۰۰	۲۷۷	٪۱۰۰	۵۵۸	٪۱۰۰	
اشتغال مادر	شاغل	۳۹	٪۱۳/۴	۲۴	٪۸/۲	۶۳	٪۱۰/۸	P=۰/۰۵ df=۱ χ^2=۳/۹۴۷
	غیرشاغل	۲۵۳	٪۸۶/۶	۲۶۷	٪۹۱/۸	۵۲۰	٪۸۹/۲	
	جمع	۲۹۲	٪۱۰۰	۲۹۱	٪۱۰۰	۵۸۳	٪۱۰۰	
سرپرستی کودک	والدین	۲۷۶	٪۹۳/۹	۲۷۳	٪۹۲/۹	۵۴۹	٪۹۳/۴	P=۰/۶۱۹ df=۱ χ^2=۰/۲۴۷
	سایر	۱۸	٪۶/۱	۲۱	٪۷/۱	۳۹	٪۶/۶	
	جمع	۲۹۴	٪۱۰۰	۲۹۴	٪۱۰۰	۵۸۸	٪۱۰۰	
وضعیت درآمد خانواده	کم‌تر از۲۰۰هزار	۳۲	٪۱۱/۴	۲۶	٪۱۹/۲	۵۸	٪۱۰/۳	P=۰/۷۴۱ df=۴ χ^2=۱/۹۷۲
	۳۰۰-۲۰۰	۹۹	٪۳۵/۴	۱۰۸	٪۳۸/۲	۲۰۷	٪۳۶/۸	
	۴۰۰-۳۰۰	۶۷	٪۲۳/۹	۷۲	٪۲۵/۴	۱۳۹	٪۲۴/۷	
	۵۰۰-۴۰۰	۳۶	٪۱۲/۹	۲۹	٪۱۰/۲	۶۵	٪۱۱/۵	
	بالاتر از ۵۰۰	۴۶	٪۱۶/۴	۴۸	٪۱۷	۹۴	٪۱۶/۷	
	جمع	۲۸۰	٪۱۰۰	۲۸۳	٪۱۰۰	۵۶۳	٪۱۰۰	

ادامهٔ جدول شماره۱: توزیع نمونه‌های مورد پژوهش بر حسب مشخصات دموگرافیک(n=588)

گروه / متغیر	برخوردار			محروم			مقدار t	درجه آزادی	مقدار احتمال
	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تعداد	میانگین	انحراف معیار			
سن	۲۹۴	۶۳/۵	۱۰/۶	۲۹۴	۵۸/۱	۱۱/۶	۵/۹۳۴	۵۸۱	۰/۰۰۰۱
بعد خانوار	۲۹۴	۲/۹۲	۱/۱۴	۲۹۴	۳/۰۳	۱/۰۹	۱/۱۸۳	۵۸۶	۰/۲۳۷

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

چنان چه در جدول شمارهٔ ۱ نشان داده شده است ۴۹/۵ درصد دختر و ۵۰/۵ درصد پسر بوده‌اند. در مقابل ۴۷/۱ درصد از دختران مورد مطالعه که از خدمات روستا مهدها استفاده می‌نمایند ۵۲/۹ درصد از پسران قرار می‌گیرند. نسبت برخورداری و محرومیت دختران و پسران از خدمات روستا مهدها به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. از مجموع کودکان مورد بررسی در این تحقیق ۹۱/۸ درصد ایرانی و ۸/۲ درصد غیر ایرانی بوده‌اند. در مقابل ۹۱/۵٪ درصد از کودکان ایرانی که از خدمات روستا مهدها استفاده می‌نمایند ۸/۵٪ درصد از کودکان غیر ایرانی قرار می‌گیرند. بنابراین نسبت کودکان ایرانی و غیر ایرانی از نظر برخورداری و محرومیت از خدمات روستا مهدها به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ۸/۱ درصد از پدران کودکان مورد مطالعه بی‌سواد، ۳۱/۷ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۳۲/۷ درصد دارای تحصیلات سیکل، ۲۳/۳ درصد دارای دیپلم و ۴/۲ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و بالاتر بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش تحصیلات پدر بر درصد کودکانی که از خدمات روستا مهدها استفاده می‌نمایند افزوده می‌شود ونسبت کودکان برخورار و محروم از خدمات روستامهد از نظر تحصیلات پدران به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ۱۰/۸ درصد از مادران کودکان مورد مطالعه بی‌سواد، ۲۸/۱ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، ۲۹/۸ درصد دارای تحصیلات سیکل، ۲۸ درصد دارای دیپلم و ۳/۳ درصد دارای مدرک فوق دیپلم و بالاتر بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فرزندان مادران دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر و نیز ابتدایی بیش‌تر از سایرین از خدمات روستا مهدها استفاده می‌نمایند لذا نسبت کودکان برخوردار و محروم از خدمات روستامهد از نظر تحصیلات مادران به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. ۵۸/۴ درصد از پدران کودکان مورد مطالعه دارای شغلی در سطح بسیار پایین، ۲۹/۷ درصد دارای شغلی در سطح پایین، ۹/۹ درصد دارای شغلی در سطح متوسط و تنها ۲ درصد دارای شغلی در سطح بالا بوده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فرزندان پدران دارای مشاغلی در سطح متوسط و بالا بیش‌تر از سایرین از خدمات روستا مهدها استفاده می‌نمایند ونسبت کودکان برخوردار و محروم از خدمات روستامهد از نظر وضعیت اشتغال پدران به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

۱۰/۸ درصد از مادران کودکان مورد مطالعه شاغل و ۸۹/۲ درصد غیرشاغل بوده‌اند. در مقابل ۱۳/۴ درصد از کودکان مادران شاغل که از خدمات روستا مهدها استفاده می‌نمایند تنها ۸/۲ درصد از کودکان مادران غیر شاغل قرار می‌گیرند. بنابراین نسبت کودکان برخوردار و محروم از خدمات روستا مهدها از نظر وضعیت اشتغال مادران به لحاظ آماری معنادارنمی باشد. از مجموع کودکان مورد بررسی در این تحقیق ۹۳/۴ درصد تحت سرپرستی والدین خود به صورت همزمان و ۶/۶ درصد تحت سرپرستی تنها یکی از آن‌ها یا سایرین قرار دارند. در مقابل ۹۳/۹ درصد از کودکانی که تحت سرپرستی هم‌زمان والدین خود قرار دارند و از خدمات روستا مهدها استفاده می‌نمایند ۶۱/۱ درصد از کودکانی قرار می‌گیرند که تحت سرپرستی هم‌زمان والدین خود قرار ندارند و از خدمات این مهد کودک‌ها استفاده می‌کنند. لذا نسبت کودکان برخوردار و محروم از خدمات روستا مهدها از نظر وضعیت سرپرستی به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

۱۰/۳ درصد از خانواده کودکان مورد مطالعه دارای درآمدی کم‌تر از ۲۰۰ هزار تومان در ماه بوده‌اند، ۳۶/۸ درصد ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۲۴/۷ درصد ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۱۱/۵ درصد ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان و در نهایت ۱۶/۷ درصد بیش از ۵۰۰ هزار تومان در ماه درآمد داشته‌اند. با این که تفاوت‌هایی در وضعیت درآمدی دو گروه مورد مقایسه وجود دارد، نسبت کودکان برخوردار و محروم از خدمات روستامهد از نظر وضعیت درآمد خانواده به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

از نظر متغیر میزان سن، میانگین سنی کلیه کودکان مورد بررسی ۶۰/۸ ماه می‌باشد، این درحالیست که میانگین سنی کودکان برخوردار از خدمات روستا مهدها ۶۳/۵ ماه و در مقابل میانگین سنی کودکان نابرخوردار از خدمات روستا مهدها ۵۸/۱ ماه بوده است، بنابراین نسبت کودکان برخوردار و محروم از خدمات روستا مهدها از نظر میزان سن به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد. از نظر متغیر بعد خانوار، میانگین بعد خانوار کلیه کودکان مورد بررسی ۲/۹۷ نفر می‌باشد، این درحالیست که میانگین بعد خانوار کودکان برخوردار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

از خدمات روستا مهدها ۲/۹۲ نفر و در مقابل میانگین بعد خـانوار کودکـان نـابرخوردار از خدمات روستا مهدها ۳/۰۳ نفر بوده است. بنابراین نسبت کودکان برخـوردار و محـروم از خدمات روستا مهدها از نظر بعد خانوار به لحاظ آماری معنادار نمی‌باشد.

جدول ۲- مقایسه دو گروه از لحاظ رشد اجتماعی

متغیروابسته	گروه	تعداد	میانگین رتبه	Uمان ویتنی	مقدار احتمال
خودیاری عمومی	برخوردار	۲۹۴	۳۵۰/۴۶	۲۶۷۶۶	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۳۸/۵۴		
خودیاری در غذا خوردن	برخوردار	۲۹۴	۳۶۵/۷۴	۲۲۲۷۲/۵	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۳۸/۵۴		
خودیاری در لباس پوشیدن	برخوردار	۲۹۴	۳۷۴/۲۲	۱۹۷۸۱	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۱۴/۷۸		
خودرهبری	برخوردار	۲۹۴	۳۷۸/۲۵	۱۸۵۹۶/۵۰	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۱۰/۷۵		
خودسرگرم‌سازی	برخوردار	۲۹۴	۳۷۶/۶۰	۱۹۰۸۲	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۱۲/۴۰		
جابه جایی، تحرک	برخوردار	۲۹۴	۳۶۶/۴۵	۲۲۰۶۴	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۲۲/۵۵		
ارتباط	برخوردار	۲۹۴	۳۸۶/۰۳	۱۶۳۰۹	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۰۲/۹۷		
اجتماعی بودن	برخوردار	۲۹۴	۳۷۹/۰۷	۱۸۳۵۴/۵۰	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۰۹/۹۳		
بهرهٔ اجتماعی	برخوردار	۲۹۴	۳۶۱/۴۷	۲۳۵۲۸	۰/۰۰۰۱
	محروم	۲۹۴	۲۲۷/۵۳		

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

جدول شمارهٔ ۲ نیز نشان می‌دهد کودکان برخوردار از خدمات روستامهد به طور معناداری از کودکان محروم از این خدمات در متغیرهای رشد اجتماعی (خودیاری عمومی، خودیاری در غذا خوردن، خودیاری در لباس پوشیدن، ارتباط، تحرک و جابه جایی، خود سرگرم سازی، خود رهبری، اجتماعی بودن) و بهرهٔ اجتماعی بالاتر می‌باشند و یا به عبارتی کودکان برخوردار از لحاظ رشد اجتماعی متحول‌تر از کودکان محروم از خدمات روستامهد هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد رشد اجتماعی بیش‌تر کودکان برخوردار از خدمات روستامهد تحت تأثیر محیط غنی‌تر رشد آنان در مقایسه با کودکان محروم می‌باشد. کودکان در روستامهد فرصت پیدا می‌کنند به کنش متقابل با گروه همسالان بپردازند و ضمن بازی با همسالان خود از تجربیات آنان استفاده کنند، کشفیات خود از محیط را با آن‌ها در میان بگذارند و در آموخته‌های یکدیگر سهیم شوند.

تجربهٔ محیط غنی‌تر از خانه از لحاظ مواد و محتوای آموزشی و ارتباطات اجتماعی، کودکان را با فرصت‌های بیش‌تری برای یادگیری و رشد مواجه می‌سازد. بازی، تعاملات اجتماعی، کاوش‌گری و یادگیری‌های غیر رسمی و... همگی در رشد اجتماعی بهتر کودکان مؤثرند.

علاوه بر فرآیندهای طبیعی بازی و تعاملات روزمره با همسالان که موجبات غنی‌سازی محیط کودک را فراهم می‌آورند، تجارب آموزشی و تربیتی هدایت شده‌ای که توسط محیط روستامهد از طریق اجرای برنامه‌های آموزشی فراهم می‌شود، علت احتمالی دیگری برای تفاوت مشاهده شده در رشد اجتماعی کودکان برخوردار و محروم می‌باشد. کودکان در روستامهدها مباحث آموزشی و رفتارهای اجتماعی را از طریق رفتارهای یادگیری مشاهده‌ای می‌آموزند و این فرصت مناسبی برای درک مفاهیم و نیز فراگیری مهارت‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

پایه مورد نیاز مثل غذا خوردن، لباس پوشیدن، همکاری بین فردی و ارتباط با دیگران و غیره می‌باشد.

در مجموع، عوامل فوق با فراهم ساختن محیط تربیتی غنی شده، بر کودکان تأثیر گذاشته و باعث می‌شوند تا کودکانی که روستامهد را تجربه کرده‌اند، در رشد اجتماعی وضعیت بهتری داشته باشند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش نانسی آرکوریر و پتسی اشمیت که کودکان مهدهای کودک و کودکانی را که در خانه مرقبت می‌شوند را مورد مقایسه قرار دادند و تفاوتی در رشد اجتماعی آنان مشاهده نکردند هم خوانی ندارد.

همچنین با نتایج پژوهش الهیاری(۱۳۸۰) در خصوص تأثیر آموزش پیش دبستانی بر تحول اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان نیز هم خوانی دارد و هر دو پژوهش نشان از تأثیر آموزش‌های پیش از دبستان بر رشد اجتماعی کودکان دارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

منابع و مآخذ References

- ابراهیمی، الف.وقاسمی، غ.وسموعی، ر.(۱۳۸۲)، نقش آموزشهای پیش دبستانی در رشد اجتماعی دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر اصفهان، **فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری**، شماره۱ بهار و تابستان.
- ازکیا، م.(۱۳۷۲)، **بررسی نیازهای بهزیستی در جامعه روستایی ایران**، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- امین یزدی، الف.(۱۳۸۷)، **بررسی نقش مهدهای کودک شهری بر اجتماعی شدن کودکان مقطع پیش از دبستان در شهرستان مشهد**، مشهد، مرکز پژوهشی روانشناسی سازمانی.
- **برنامه چهارم عمرانی کشور(۱۳۵۱-۱۳۴۷)**، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، چاپخانه بیست و پنجم شهریور(شرکت سهامی افست).
- پاکاریان، س.(۱۳۷۶)، **تحلیل برنامه دوره آمادگی و تأثیر آن در پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش آموزان دوره ابتدایی شهر اصفهان**، پایان نامه دکترای دانشگاه تربیت معلم.
- کرین، و.(۱۳۸۲)، **پیشگامان روانشناسی رشد**(ترجمه دکتر فربد فدایی)، تهران، اطلاعات.
- ماسن، پ.(۱۳۸۰)، **رشد و شخصیت کودک**(ترجمه مهشید یاسایی)، تهران، نشر مرکز.
- نلر، ج.(۱۳۸۰)، **آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش**(ترجمه دکتر فریدون بازرگان دیلمقانی)، تهران، سمت
- نیک خلق، ع.(۱۳۸۵)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی ایران**، تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- ویکارت، د.(۱۳۸۵)، **آموزش و پرورش اوان کودکی نیازها و فرصت‌ها** (ترجمه دکتر کامبیز پوشنه و دکتر علی اکبر خسروی)، تهران، مؤسسه کوروش چاپ.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]

References منابع و مآخذ

- Shaffer ,David R (1999) **, social & personality development.**
- Dowling (2005)**, young children`s personal, social and emotional Development.**
- Kagan ,J. and Moss, H.A (1962)**, Birth to maturity,** New York, wiley
- Early Childhood Research Quarterly 23 (2008) 527–546,**A small- scale randomized efficacy trial of Carescapes: Enhancing children's social development in child care homes.**
- **Early Childhood Research Quarterly** 17 (2002) 539–558**,**Relation of Head Start attendance to children's cognitive and social outcomes: moderation by family risk.
- **Early Childhood Research Quarterly** 17 (2002)470-497**,**Does maternal employment influence poor children's social development?
- **Journal of School Psychology** 41 (2003) 143–164,Raising healthy children through enhancing social development in elementary school: Results after 1.5 years.
- **Developmental Review** 28 (2008) 225–262**,**Getting Vygotskian about theory of mind: Mediation, dialogue, and the development of social understanding.
- **Journal of Applied Developmental Psychology** 27 (2006) 300–309**,**Executive function and the promotion of social–emotional competence**.**
- **Children and Youth Services Review**(2002), Vol. 24, No. 3, pp. 209-211**,** Does the village Still Raise the Child?
- **New Ideas in Psychology** 18 (2000) 139-156 **,**The role of social interaction in Piaget's theory: language for social cooperation and social cooperation for language.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-14]